



مهاجرت

یکی از وقایع مهم سیاسی قرن اخیر در ایران

(۱۰)

شادروان سناتور رضا علی دیوان بیگی^{۱۰} اراجع به مهاجرت در سال ۱۳۳۴ تملری شرحی مفصل نوشته است که چون قسمتی از آن مبهم میباشد عیناً نقل میشود:

دول روس وانگلیس پس از پیمان سال ۱۹۰۷ بر تحمیلات و تضییقات گوناگون خود نسبت بایرانیان افزودند. حتی آن بخشی را که بموجب پیمان مزبور از وسط خاک ایران به عنوان منطقه بیطرف برای ما باقی گذاشته بودند، در بحبوحه جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۵، مجدداً ضمن قرار و مدارهای محرمانه بمناطق نفوذ خود ضمیمه کردند. ایران داشت یکسره از دست میرفت.

در آغاز جنگ، چون روسها در پروس شرقی پیاهی از دولت آلمان شکست فاحش خوردند و دولت عثمانی نیز به بهانه حفاظت مرزهای خود توانست در خاک آذربایجان با کمک عشایر کرد قشون روس را از تبریز بیرون کند، احزاب و رجال آزادیخواه و اکثر ایلات و طنپرست ایران آشکارا طرفدار دولت زورمند آلمان و متحدش دولت عثمانی شدند. زیرا تصور میکردند در صورت غلبه متحدین ممکن است دست همسایگان استعمار طلب شمال و جنوب از تجاوز به مهین ما کوتاه شود. باین علت عمال لشکری و کشوری دولتین آلمان و عثمانی بداخل ایران باسانی راه یافتند و بیشتر احساسات ایرانیان را علیه دول روس و انگلیس برانگیختند.

* آقای ابوالقاسم کمال زاده مدیر کل سابق اداره کل انتشارات و تبلیغات کشور و منشی سفارت آلمان در تهران از مردان ورزیده تاریخ و سیاست معاصر.

در آن موقع کابینه میرزا حسن خان مستوفی الممالک بروی کارآمد و با وجود اعلان بیخوفی و به امید استفاده ایران نخواست از آن جریان جدا جلو گیرد. ممکن بود سرحدات قفقاز و هندوستان رفته رفته تهدید شود. روسها وانگلیسها در صد برآمدند تا وضع خطرناک نگردیده باشونکشی خالك ایران را بکلی اشغال و شر دشمنان را از این حدود دفع کنند. آقای دیوان بیگی اضافه میکند: نگارنده آن اوقات ۲۲ سال از سنم میگذشت و پس از پایان تکمیل تحصیلی در مدرسه علوم سیاسی، در اداره تجریرات روس وزارت امور خارجه مشغول خدمت شده بودم.

اداره تجریرات روس مرکز ارجاع شکایات و واسطه دادخواهی از جنایات و مظالم ماهوران و اتباع دولت تزاری روسیه می بود، نسبت به عالی ودانی ایرانیان ساکن تهران و ولایات شمالی آنها بدون نتیجه. یکروز نایب سفارت روس کاسپادین پوری نف (گاسپادین - یوری نف) بوزارت خارجه آمد و گفت: «بیهوده با سفارت زیاد مکاتبه نکنید. دیولا بچه های دفترخانه ما گنجایش بایگانی اینقدر مکاتبات را ندارد و ماهرماه این قبیل کاغذها را در اجاق هیسوزانیم» در عالم وطنپرستی بنظر مرگ بهتر از چنان مذلت بود و در شور جوانی سری بسیار پر شور داشتم.

صبح روز دوشنبه ۷ محرم ۱۳۳۴ (۳ آبان ۱۲۹۴ شمسی مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵ میلادی) حاج محترم السلطنه اسفندیاری وزیر امور خارجه مرا احضار کرد و سر بسته گفت: «سفر مهمی در پیش است که باید بعضی از همکاران اداری را با خود ببریم. میل دارید در این مسافرت با ما باشید؟»

چون از موضوع مسافرت مطلع شده جواب مثبت دادم. با ارائه نوشته ای گفتم: «مطابق این صورت دوسیه های محرمانه اداره روس را از دفتر تحویل بگیرید و سعی کنید تا فردا خود را بقم برسانید. برای خرج سفر و تهیه مرکوب، اداره حسابداری معادل سه ماه حقوق بشما مساعده خواهد داد». حقوق من پس از دو سال خدمت ماهی سی و پنج تومان میبود. آن روز قشون روس برای اشغال پایتخت از قزوین بسمت تهران می آمد. آقای مستوفی الممالک در واقع به اطمینان قول و قرار نمایندگان دولت آلمان میخواست بعجله احمدشاه و هیئت دولت را به اصفهان بفرستد و پایتخت را تغییر دهد.

پدرم تازه مرحوم شده بود و من از خانواده خود سرپرستی مینمودم و آنسفر ناگهانی برای کس و کارم بمنزله پیش آمد یک مصیبت غیرمنتظره دیگر میبود. از این گذشته همچو مسافرتی سرزمستان با عدم وسائل در آن روزگار پر آشوب خیلی سخت و خطرناک بنظر می آمد. مع هذا به رفاه خویش و خانواده پشت پازده بستگان عزیز را که از فراق من اشک میریختند به خدا سپردم و رفتم زیرا تعلق به میهن برعلاق دیگر میچربید.

همان روز باتفاق حاج شیخ محمد حسین استرآبادی نماینده استرآباد (فراکسیون دموکرات) و حاج اسدالله خان معتمدوزیری نماینده کردستان (بیطرف) در مجلس شورای ملی که با آنها مراد و دوستی داشتم بسمت قم حرکت کردم. ناهبیردگان کسه بواسطه تغییر پایتخت مسافر اصفهان بودند با اعمال نفوذ مقام نمایندگی توانستند یک کالسکه چاپاری کرایه کنند و الا تهیه همچو وسیله نقلیه و حمل پرونده‌های مهم اداری برای من امکان نداشت. چنانچه جلال‌الدین خان کیهان عضو مقدم اداره تحریرات روس آن روز پس از تلاش بسیار توانست بایک الاغ عاریتی رهسپار قم گردد.

مردم تهران تمام روز در کوچه و خیابان جمع شده با اضطراب خاطر نگران و شامت اوضاع بودند. سورچی غروب آفتاب حاضر برای حرکت شد. اسبهای کالسکه را شبانه در چند منزل عوض کرد و تا صبح طی طریق نمود. در عرض راه بدستجاتی از ژاندامهای سواره و پیاده برخورداریم آنها هم دنبال صاحب منصبان خود یواش یواش، بسوی اصفهان می‌رفتند. روز بعد پیش از ظهر به قم رسیدیم. کوچه‌ها بنظر شلوغ آمد زیرا عده کثیری مجاهدان و طلب و جمعی از رجال سرشناس یا وکلای منتسب با حزب اعتدالی و دموکرات مجلس شورای ملی قبلاً باین شهر وارد شده گوش بفرمان کمیته دفاع ملی منتظر ورود شاه و هیئت دولت بودند. کمیته دفاع ملی ظاهراً از زعمای آزادی خواهان مردم و حزب تشکیل یافته بود ولی معنای کارگردانی آن جماعت را سلیمان میرزا اسکندری لیدر حزب دموکرات بعهده داشت. پرنس رویس وزیر مختار آلمان نیز با اعمال خود مخصوصاً کنت کاینس وابسته نظامی و آقای نمان کنسول سیار سفارت و سایر اعضاء سفارت در آنجا آشکارا فعالیت و اعمال می‌نمودند و بعنوان تدارکات دفاعی به کمیته دفاع ملی هم پول و هم اسلحه می‌دادند. دو سه روز گذشت شاه و وزراء نیامدند. معلوم شد درباریان محافظه کار از قبیل شاعرزاده فرمانفرما و عین‌الدوله و سپهسالار تنکابنی در دقایق آخر نگذاشتند احمدشاه حرکت کند. دولت هم خواه ناخواه از تغییر پایتخت منصرف گردید.

طلایه قشون روس در کرج متوقف شده بود و سفرای روس و انگلیس بسهم خود به مستوقی الممالک رئیس الوزراء در باغ سبز نشان داده بشرط موافقت همه جانبه بنا متفقین (روس و انگلیس) تعهد می‌کردند با پرداخت مخارج جاریه دولت پس از جنگ هم بعنوان پاداش قسمتی از متصرفات عثمانیها را در سرحدات غربی ایران اضافه بر اداره بلاد کر بلا و نجف به ایرانیان واگذارند و از این بذل و بخشش‌های دیگر. مع هذا آن عده از وکلا و اشخاص متعین که بعزم اصفهان از تهران خارج شده بودند، با وجود درخواست مکرر اولیاء دولت حاضر نشدند بمرکز مراجعت نمایند.

آقای دیوان بیگی در یادداشت‌های خود اضافه می‌کند: «نه سال بعد از آن وقایع در

موضوع بذل و بخشش کربلا و نجف بایرانیان، آقای مستوفی الممالک در کمیسیون خارجه مجلس پنجم شورای ملی به نگارنده اظهار نموده گفتند: کذب مواعید و سوءنیت انگلیسها بعد از جنگ در کنفرانس صلح و رسای کاملاً به ثبوت رسید» آقای مستوفی الممالک در دوره پنجم سمت نمایندگی داشتند و عضو کمیسیون خارجه بودند و آقای دیوان بیگی هم در همان دوره عضو کمیسیون خارجه مجلس را عهده دار بودند.

انحلال دوره سوم تقنینیه مجلس شورای ملی - در تاریخ هفتم محرم ۱۳۳۴ قمری مطابق ۲۳ آبان ۱۲۹۴ شمسی که جمعی از نمایندگان مجلس از طهران خارج شده و بقم عزیمت کردند مجلس شورای ملی از اکثریت افتاد و تعطیل شد و چندین سال فترت طول کشید. مجلس سوم در روز شنبه ۱۶ محرم الحرام سال ۱۳۳۳ هجری قمری مطابق ۱۳ قوس (آذرماه) ۱۲۹۳ شمسی = ۵ دسامبر ۱۹۱۴ میلادی افتتاح شده بود که جمعاً یازده ماه و بیست روز بکار قانون گذاری مشغول بود. مجلس سوم دارای ۹۵ نماینده بود که اسامی آنان با تعیین حزبیکه وابسته بآن بودند و حوزه انتخابیه بشرح زیر است:

نمایندگان هیئت علمیه چهارده تن: ۱- حاجی شیخ اسدالله محلاتی (کمره و محلات)
 ۲- حاجی شیخ اسمعیل (رانکوه) ۳- حاجی میرزا یحیی امام جمعه خوئی (وکیل علماء نجف)
 ۳- میرزا حسین مدرس قمشاهی (طهران) ۵- حاجی میرزا حسین کرمانشاهی (کرمانشاه)
 ۶- میرزا فیروز آبادی (شاه عبدالعظیم و غار و فشافویه) ۷- حاجی علی اصغر سلطان العلماء (بروجرد) ۸- حاجی میرزا شمس الدین (عراق - اراک) ۹- سیدفاضل کاشی (شاهرود)
 ۱۰- سید محمد رضوی (شیراز) ۱۱- شیخ محمد شیخی (مالیر و نهاوند و تومسرکان)
 ۱۲- میرزا عاشق آشتیانی (تهران) ۱۳- حاجی شیخ یوسف (شیراز) ۱۴- حاجی سید اسدالله (قزوین).

نمایندگان حزب دموکرات ۳۳ تن: ۱- آقا شیخ ابراهیم زنجانی (زنجان) ۲- میرزا حسین خان ادیب السلطنه سمعی (رشت) ۳- سید حسن تقی زاده (طهران) ۴- شیخ حبیب الله (تبریز) ۵- حاجی شیخ حسین استرآبادی (استرآباد - گرگان) ۶- سید حسین کزازی (کرمانشاه) ۷- حسین علی خان نواب (تهران) ۸- حشمت الممالک (لار) ۹- خان باباخان (فارس) ۱۰- رفعت الدوله (میرجان) ۱۱- سلیمان میرزا (اصفهان) ۱۲- میرزا طاهر تنکابنی (تهران) ۱۳- عباس میرزا (یزد) ۱۴- میرزا حسین خان دادگر عدل الممالک (بارفروش - بابل) ۱۵- حاج میرزا امان الله خان عز الممالک (کرمانشاه) ۱۶- عماد السلطنه (مشهد) ۱۷- حاجی میرزا غلام حسین (مشهد) ۱۸- میرزا محمد نجف (بیرجند) ۱۹- شیخ محمد جواد بلور فروش (مشهد) ۲۰- سید محمد رضا مساوات (طهران) ۲۱- میرزا محمد علی خان کلوب فرزین (طهران) ۲۲- محمد هاشم میرزا افسر (نیشابور) ۲۳- محمد مهدی میرزا مرآت السلطان

۲۴- میرزا احسن خان مستوفی الممالک (طهران) ۲۵- مشاور الدوله نظام الدین
 حکمت (شیراز) ۲۶- سید مهدی معتصم السلطنه فرخ (تربت حیدری) ۲۷- ملک الشعراء
 بهار (درجز وکلان) ۲۷- میرزا صادق خان منتصر السلطان (بارفروش - بابل) ۲۹-
 موید الاسلام (کرمان) ۳۰- عبدالحسین خان وحید الملک شیبانی (طهران) ۳۱- آقا شیخ یحیی
 (کرمان) ۳۲- شیخ علی صدر الاسلام (زنجان) ۴۳- دکتر لقمان (وکیل کلیمیان)
 بیست و سه نفر نمایندگان حزب اعتدالی: ۱- میرزا احسن خان آصف الممالک (کرمان)
 ۲- آقا سید اسد الله چهار سوقی (اصفهان) ۳- اعزاز السلطنه (کردستان) ۴- حسین قلی اکبر خان
 (سمنان) ۵- محمد ولی خان سپهدار (زنجان) ۶- میرزا صادق خان سردار معتقد - اکبر (رشت)
 ۷- عبدالحسین خان تیمورتاش سردار معظم (قوچان) ۸- میرزا سلیمان خان مینکده (نائین)
 ۹- حاجی سهم الملک (عراق - اراک) ۱۰- شیخ حسن خان شیخ الملک (میرجان) ۱۱-
 حسام الدین خان صدر الملک (فسا) ۱۲- طاهر میرزا (مشهد) ۱۳- حاجی میرزا علی رضا (قم)
 ۱۴- میرزا قاسم خان تبریزی صور اسرافیل (ساوجبلاغ و شهریار) ۱۵- شکر الله خان توام الدوله
 (نجف آباد) ۱۶- میرزا محمود خان مبصر الملک (طبرس و گناباد) ۱۷- میرزا محمد صادق
 طباطبائی (طهران) ۱۸- مدحت السلطنه (بندر عباس) ۱۹- میرزا اسد الله خان مشار السلطنه
 (نهران) ۲۰- میرزا منصور خان معدل الدوله (سیستان) ۲۱- سید یحیی ناصر الاسلام ندامانی
 (لاهیجان) ۲۲- نجف قلی میرزا (ملایر و نهاوند و توسرکان) ۲۳- وکیل التولیه نواب (یزد).
 نمایندگان بیطرف بیست و یک تن: ۱- حاج میرزا اسد الله خان (کردستان) ۲-
 اسمعیل خان امیر موید (ساری) ۳- حاجی عبدالله خان امیر نظام (همدان) ۴- حاجی میرزا
 حسین خان متولی باشی نائینی (اصفهان) ۵- آقا شیخ حسین خوانساری (خوانسار) ۶- آقا
 شیخ حسین یزدی (تهران) ۷- میرزا محمد علی خان فرغی ذکاء الملک (تهران) ۸- یار محمد خان
 افشار سالار سعید (بجنورد) ۹- فرج الله خان سردار معظم (کردستان) ۱۰- شریعتسار (بروجرد)
 ۱۱- شریف العلماء (ساری) ۱۲- صدر الممالک (وکیل ایل بختیاری) ۱۳- حاجی محمد
 معین التجار بوشهری (بوشهر) ۱۴- شیخ محمد حسن گروسی (گروس و بیجار) ۱۵- شیخ
 محمد علی (گلپایگان و خوانسار) ۱۶- حاج مهذب الدوله (شیراز) ۱۷- میرزا حسین خان
 مومن الملک (تهران) ۱۸- حاجی سید نصر الله اخوی (تهران) ۱۹- غلام علی خان نظام السلطان
 (بارفروش - بابل) آقا میرزا اورنگ و قار السلطنه (ایلات خمسه فارس) ۲۱- ارباب کیخسرو
 شاهرخ (زردشتیان).

میرزا یانس وکیل ارامنه بهیچیک از احزاب وابسته نبود و از حزب دانشناکسیون
 (دانش کسریون) ارامنه بود.

جمع نمایندگان مجلس سوم ۹۲ نفر بوده سه نفر آقایان میرزا محمود خان احتشام السلطنه
 علامیر نماینده تهران و میرزا محمد علی خان سالار معظم نماینده بروجرد و خرم آباد و
 یمن الملک نماینده خرم آباد قبول نمایندگی نکردند.